

عدم صداقت علمی تهدیدی برای شرافت نظام آموزش عالی: مروری بر عوامل فردی و زمینه‌ای

محمد اصغر امیری *

احمد خامسان **

چکیده

در بسیاری از کشورها، پژوهش‌های زیادی به منظور تعیین عوامل مؤثر بر عدم صداقت علمی انجام گرفته است. با این وجود، در ایران پژوهش جامعی برای تعیین عوامل وابسته با این پدیده انجام نشده است. هدف پژوهش حاضر، تعیین عوامل فردی و زمینه‌ای مرتبط با عدم صداقت علمی است. روش پژوهش کتابخانه‌ای بوده و تعدادی از مهم‌ترین واژه‌های مرتبط با موضوع مانند: اخلاق علمی، کمال علمی، عدم صداقت علمی، تقلب علمی و سوءرفتار علمی در پایگاه‌های اطلاعات علمی داخلی و خارجی جستجو شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عدم صداقت علمی باید عملی فراتر از تقلب در آزمون در نظر گرفته شود. به علاوه، متغیرهای فردی (مانند سن، جنس، رشته تحصیلی و ویژگی‌های شخصیتی) و زمینه‌ای (مانند: اساتید، قوانین شرافت علمی، شدت مجازات‌ها و تأثیر هم‌سالان) زیادی وجود دارد که می‌تواند بر عدم صداقت علمی تأثیرگذار باشد. این عوامل برمبنای پژوهش‌های موجود دسته‌بندی و منابع پژوهشی آن ارائه شده است. راهکارهایی نیز برای جلوگیری از عدم صداقت علمی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: اخلاق علمی، عدم صداقت علمی، قوانین شرافت علمی، آموزش عالی، تقلب، کمال دانشگاهی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی دانشگاه بیرجند

** استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه بیرجند (مسئول مکاتبات: akhamesan@birjand.ac.ir)

مقدمه

عدم صداقت علمی^۱ از موضوعات مهمی است که در آموزش عالی جریان داشته، و فرآیند تحصیلی را، هم از لحاظ آموزشی و هم از لحاظ پژوهشی، مورد تهدید قرار می‌دهد (سیمون^۲، کار^۳، مک‌کلاف^۴ و همکاران، ۲۰۰۴). عدم صداقت علمی خاص یک نظام یا کشور نیست. هر چند این پدیده در بسیاری از کشورهای جهان (از جمله: آمریکا، بریتانیا، کانادا، ژاپن و نیوزلند) مورد توجه قرار گرفته و پژوهش‌های متعددی پیرامون آن انجام شده، اما در کشورهای آسیایی پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته است (لین^۵ و ون^۶، ۲۰۰۷).

عدم صداقت علمی، سوء رفتار علمی^۷ و تقلب^۸ در پیشینه‌ی پژوهش به جای یکدیگر به کار برده شده‌اند (وایدمن^۹، ۲۰۰۸). وقتی در مورد عدم صداقت علمی بحث می‌شود، اولین چیزی که فکر اساتید و دانشجویان متوجه آن می‌شود، تقلب در آزمون است و در پیشینه‌ی پژوهش هم بیشترین توجه به تقلب در آزمون، متمرکز بوده است. اما با این وجود، دامنه‌ی عدم صداقت علمی فراتر از تقلب در آزمون است (لین و ون، ۲۰۰۷، القیسی^{۱۰}، ۲۰۰۸؛ لئونارد^{۱۱}، لی‌براسر^{۱۲}، ۲۰۰۸ و بیسپن^{۱۳}، پاترون^{۱۴} و رسکلی^{۱۵}، ۲۰۰۸؛ هولینگر^{۱۶} و کادوس^{۱۷}، ۲۰۰۹)، و علاوه بر آن ممکن است تنها مختص دانشجویان نبوده و اعضاء هیئت علمی را نیز در بر گیرد. بنابراین عدم صداقت علمی هم می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد (به طور مثال، ساترلی^{۱۸}، ۲۰۰۲؛ آندروود^{۱۹} و سزابو^{۲۰}، ۲۰۰۳) و هم اینکه ممکن است علاوه بر دانشجویان، از سوی سایر اعضای جامعه‌ی دانشگاهی صورت گیرد.

1. Academic Dishonesty
2. Simon
3. Carr
4. McCullough
5. Lin
6. Wen
7. Academic Misconduct
8. Cheating
9. Wideman
10. Al-Qaisi
11. Leonard
12. LeBrasseur
13. Bisping
14. Patron
15. Roskelley
16. Hollinger
17. Kaduce
18. Satterlee
19. Underwood
20. Szabo

منظور از عدم صداقت علمی در این پژوهش، نه تنها تقلب در یک آزمون، بلکه هر آن چیزی است که می‌تواند ناشی از سوء رفتارهای دانشجویان، مربیان و اساتید باشد. بنابراین از دزدی ادبی^۱، جعل^۲، الگوبرداری^۳، تحریف^۴ داده‌ها، اضافه کردن اسم در کاری که توسط دیگران انجام شده، چاپ مقالات گرفته شده از اینترنت به نام خود تا انبوه وسایل الکترونیکی که می‌تواند به طور مخفیانه به منظور تقلب و کپی گرفتن از کار دیگران به کلاس آورده شود، را شامل می‌شود.

همچنین عدم صداقت علمی گاهی ممکن است در بعضی از منابع مترادف با فریب نیز به کار رود؛ به طور مثال، بیابانگرد (۱۳۸۶: ۴۳۲) در توضیح فریب می‌نویسد: «فریب به هر گونه تحریف، بدجلوه دادن و سرقت داده‌ها، یافته‌ها و افکار دیگران گفته می‌شود. این مورد شامل تحریف داده‌ها، شاخ و برگ دادن و آراستن گزارش‌های پژوهش، گزارش پژوهش‌هایی که انجام نشده است یا دستکاری داده‌ها به نحوی که فریبنده باشد، می‌شود».

در ایران پژوهش‌های اندکی در ارتباط با موضوع اخلاق علمی^۵ انجام گرفته (تا مصادیق عدم صداقت علمی را مشخص کند)، و توجه بیشتر این مطالعات در زمینه‌ی اصول اخلاقی به حوزه‌ی پزشکی معطوف بوده است (به طور مثال، لاریجانی و زاهدی، ۱۳۸۵؛ خالقی، ۱۳۸۷). ذاکر صالحی (۱۳۸۹) نیز در اثر خود که جنبه‌های اجتماعی، حقوقی و اخلاقی تقلب علمی مورد بررسی قرار داده به فقدان مقاله‌ها و مطالعات معتبر به زبان فارسی در زمینه‌ی تقلب علمی اشاره کرده است. یکی از دلایل عدم صداقت علمی عدم آگاهی از مصادیق آن می‌باشد (بلتر^۶ و دوپر^۷، ۲۰۰۹)، و جلوگیری از عدم صداقت علمی مستلزم شناخت مصادیق و متغیرهای تأثیرگذار بر آن است.

از این رو، لازم است به منظور آگاهی‌بخشی و دانش‌افزایی جامعه‌ی دانشگاهی نسبت به مصادیق عدم صداقت علمی و عوامل مؤثر بر آن، نمونه‌ی جامعی از پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. در پژوهش حاضر، ابتدا به سوابق پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی عدم صداقت علمی، در سه

1. Plagiarism
2. Fabrication
3. Templating
4. Falsification
5. Academic Ethic
6. Belter
7. DuPer

کشور ایران، بریتانیا و آمریکا پرداخته می‌شود^۱ و سپس به ترتیب، مصادیق عدم صداقت علمی و متغیرهای وابسته با آن ذکر شده، و در پایان پس از نتیجه‌گیری پیشنهادهایی برای جلوگیری از عدم صداقت علمی و پژوهش‌های آینده ارائه خواهد شد.

روش

پژوهش حاضر، به روش کتابخانه‌ای و با جستجوی واژگان اخلاق علمی، کمال علمی (دانشگاهی)^۲، عدم صداقت علمی، تقلب علمی^۳ و سوء رفتار علمی در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و همچنین معادل لاتین این واژگان، در پایگاه‌های اطلاعاتی خارجی انجام شده است. در مجموع، تعداد ۶۰ پژوهش از پایگاه‌های اطلاعاتی بازایی شد (تعداد ۱۲ پژوهش در پایگاه‌های اطلاعاتی کشور (پایگاه اطلاعات جهاد دانشگاهی^۴، پایگاه مجلات ایران^۵ و مرکز اسناد ملی ایران^۶) و حدود ۴۸ گزارش پژوهشی در پایگاه‌های اطلاعاتی خارجی (اریک^۷، اسپرینگر^۸ و ساینس دایرکت^۹). این پژوهش‌ها پژوهش‌ها به منظور تعیین مصادیق عدم صداقت علمی و متغیرهای همبسته با آن مورد مطالعه قرار گرفتند.

پیشینه

عدم صداقت علمی ریشه در تاریخ دارد و ممکن است به نخستین آزمون‌ها برگردد. از مهم‌ترین آزمون‌هایی که در منابع مکتوب به آن اشاره شده است، امتحانات استخدام غیرنظامی چین باستان است (به طور مثال، کاپلان، ۱۹۸۹؛ نقل از شریفی، ۱۳۸۸). میازاکی^{۱۰} (۱۹۷۶) به شیوع انواع مختلف شکل‌های تقلب علمی در آزمون‌های

۱. بررسی سوابق پژوهش در زمینه‌ی عدم صداقت علمی، در دو کشور بریتانیا و آمریکا به دلیل توجه ویژه نظام آموزش عالی این کشورها به عدم صداقت علمی و سابقه‌ی طولانی مطالعه عوامل مؤثر بر آن است؛ به‌طور مثال، مطالعه عدم صداقت علمی در نظام آموزش عالی آمریکا از حدود ۴۵ سال پیش آغاز شده است.

2. Academic Integrity
3. Academic Cheating
4. www.sid.ir
5. www.magiran.com
6. www.irandoc.ac.ir
7. www.eric.ed.gov
8. www.springer.com
9. www.sciencedirect.com
10. Miyazaki

خدمات مدنی در چین باستان اشاره کرده است. در این آزمون‌ها مواردی از تقلب علمی مانند، تعویض اوراق آزمون، رونویسی پاسخ‌ها از سایر آزمون‌دهندگان و همچنین رشوه دادن به مقامات برگزارکننده آزمون وجود داشته است (نقل از مرداک و اندرمن، ۲۰۰۶).

به نظر می‌رسد مطالعه روی عدم صداقت علمی دانشجویان کالج از حدود هفتاد سال پیش و یا حتی قبل از آن آغاز شده باشد (اتیر^۱، کرامر^۲ و فین^۳، ۲۰۰۶/۲۰۰۷). مطالعه‌ی تقلب علمی در آموزش عالی و در مقیاس بزرگ توسط باورز (۱۹۶۴) انجام گرفت، که در آن ۵۰۰۰ دانشجو را از ۹۹ کالج و دانشگاه آمریکا زمینه‌یابی کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که سه چهارم پاسخ‌دهندگان یک یا چند بار مرتکب تقلب علمی شده‌اند (نقل از مک‌کیب، تروینو و باترفیلد، ۲۰۰۱).

حدود سی سال بعد، این پژوهش مجدداً در ۹ دانشگاه که توسط باورز زمینه‌یابی شده بود انجام گرفت (مک‌کیب، تروینو و باترفیلد، ۲۰۰۱). این مطالعات رابطه‌ی معناداری را بین عدم صداقت علمی و متغیرهای بافتی یا زمینه‌ای نشان داد. این متغیرها شامل؛ درک رفتار هم‌سالان، ادراک دانشجویان از سیاست‌های اخلاق علمی، درک این‌که تقلب علمی گزارش خواهد شد، درک شدت مجازات‌های تقلب علمی و وجود یا فقدان قوانین شرافت علمی^۴ بود (مک‌کیب، تروینو و باترفیلد، ۲۰۰۲). جدول (۱)، نتایج زمینه‌یابی‌ها از پژوهش‌های قبلی در مورد تقلب علمی دانشجویان در آمریکا را نشان می‌دهد.

اولین مطالعه عمده در زمینه‌ی تقلب علمی دانشجویان کارشناسی در بریتانیا توسط فرانکلین-ستاکس^۵ و نیوستید^۶ (۱۹۹۵) انجام گرفت که نتایج آن نشان داد که بیش از ۶۰٪ دانشجویان مرتکب تقلب علمی شده‌اند (به نقل از اسمیت^۷ و ریگویی^۸، ۲۰۰۹). در این پژوهش کارکنان دانشگاه نرخ تقلب علمی را از آن‌چه که دانشجویان انجام می‌دادند، کمتر تخمین می‌زدند (به نقل از مک‌کیب، فگالی^۹ و عبدالله، ۲۰۰۸).

1. Eteer
2. Cramer
3. Finn
4. Academic Honor Code
5. Franklyn-Stokes
6. Newstead
7. Smith
8. Ridgway
9. Feghali

جدول (۱) نتایج زمینه‌یابی‌ها از پژوهش‌های قبلی در زمینه تقلب علمی دانشجویان (به - نقل از گریوز^۱ و استین^۲، ۲۰۰۸: ۱۶)

سال	منبع	نرخ شیوع (%)
۲۰۰۵	مرکز اخلاق علمی، دانشگاه دوک ^۳	۷۰
۲۰۰۲	مرکز آموزش مدیریت رتگرز ^۴	۷۵
۱۹۹۰	دانشگاه میامی	۹۱
۱۹۸۰	برد ^۵	۷۵
۱۹۷۰	استنارد ^۶ و باورز	۵۵
۱۹۶۰	گلدسن ^۷	۴۹
۱۹۵۲	گلدسن	۳۸
۱۹۴۱	دریک ^۸	۲۳

ولسون (۱۹۹۹) ۱۱۷ دانشجوی سال اول دانشگاه ادینبرگ^۹ بریتانیا را در یک آزمون رایانه‌ای مورد بررسی قرار داد. وی با استفاده از نرم‌افزار تشخیص دزدی ادبی و همچنین کنترل و ثبت شمار پانوشت ورودی به شبکه‌ی رایانه‌ای که آزمون در آن برگزار می‌شد، متوجه شد که دانشجویان در طول آزمون با استفاده از رایانامه جواب سئوالات را با یکدیگر ردوبدل می‌کنند (به نقل از پاپ و ورتز، ۲۰۰۹). در جدول شماره‌ی ۲ درصد ارتکاب دانشجویان بریتانیا به عدم صداقت علمی نشان داده شده است.

جدول (۲) درصد ارتکاب به برخی از شکل‌های عدم صداقت علمی در نمونه‌ای از دانشجویان بریتانیا (به نقل از دانبر^{۱۰}، ۲۰۰۵: ۱)

نرخ ارتکاب (%)	شکل تقلب علمی
۵۴	نقل از منابع دیگر بدون ارجاع
۴۸	جعل داده‌ها
۴۶	اجازه دادن به دانشجویان دیگر تا از تکلیف شما رونویسی کنند
۴۲	رونویسی کردن از کتاب بدون ارجاع

1. Graves
2. Austin
3. The Center for Academic Integrity, Duke University
4. Rutgers' Management Education Center
5. Baird
6. Stannard
7. Goldsen
8. Drake
9. University of Edinburgh
10. Dunbar

در ایران نیز، پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده است. به طور مثال، مرادی و سعیدی‌جم (۱۳۸۰) علل گرایش دانشجویان به تقلب را در دانشگاه علوم پزشکی همدان بررسی کردند. مهمترین علل گرایش به تقلب در این پژوهش، عدم‌انگیزه برای یادگیری، راحت‌طلبی یادگیرنده، فشرده بودن زمان امتحانات و سخت‌گیری بیش از حد اساتید بود. همچنین تفاوت معناداری بین دو جنس از نظر انجام تقلب مشاهده نشد.

نیک‌پور (۱۳۸۲) نگرش دانشجویان را نسبت به انواع تقلب در مراحل تدوین پایان‌نامه و فراوانی آن را به روش غیرمستقیم مورد بررسی قرار داد. این پژوهش نشان داد که کمتر از نیمی از دانشجویان تحریف داده‌ها و جعل نتایج را مذموم می‌دانند. علاوه بر این نتایج این پژوهش نشان داد که دستکاری نتایج در ۴۰ درصد موارد و جعل داده‌ها در ۳۷ درصد موارد گزارش شده است.

نخعی و سیدحسینی (۱۳۸۴) نظرات دانشجویان پزشکی در مورد تقلب امتحانی و فراوانی نسبی آن را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که حدود ۵۱ درصد دانشجویان "در جریان قرار ندادن استاد هنگامی که به اشتباه در تصحیح ورقه به او نمره‌ی داده باشد" قبول دارند. همچنین درصد دانشجویانی که "نگاه کردن از روی دست دیگران و یا در معرض دید قرار دادن برگه‌ها" و "دریافت و ارسال پاسخ سوالات از طریق ایما و اشاره" به ترتیب حدود ۵۲ و ۴۹ بود. جدول (۳) میزان نگرش مثبت دانشجویان به شکل‌های مختلف تقلب را نشان می‌دهد.

جدول (۳) میزان نگرش مثبت دانشجویان به شکل‌های مختلف تقلب (به نقل از

نخعی و حسینی، ۱۳۸۴: ۶۰)

نگرش مثبت (%)	شکل تقلب علمی
۵۲/۴	نگاه کردن از روی دست دیگران و یا در معرض دید قرار دادن برگه‌ها
۵۰/۷	درجریان نگذاشتن استاد هنگامی که به اشتباه در تصحیح ورقه به او نمره‌ی بالا داده باشد
۵۱	دریافت یا ارسال پاسخ سوالات به صورت شفاهی
۴۹/۴	دریافت و ارسال پاسخ سوالات از طریق ایما و اشاره
۳۹/۶	کپی برداری از گزارش کار دیگران

شکل‌های عدم صداقت علمی

برای درک بهتر اشکال گوناگون عدم صداقت علمی (تحصیلی) یا تقلب علمی، تقسیم‌بندی‌هایی صورت گرفته است. به طور مثال، رتینگر^۱ و کرامر^۲ (۲۰۰۹: ۳۰۰) عدم صداقت علمی را به تقلب در آزمون و دزدی ادبی تقسیم بندی کرده‌اند و برای هر کدام به شرح ذیل مصادیقی را ذکر کرده‌اند:

• **"تقلب در آزمون:** استفاده از یادداشت‌ها در آزمون منزل؛ استفاده از یادداشت‌ها در آزمون کلاس؛ از روی کس دیگری نوشتن در آزمون کلاس؛ اجازه دادن یا اجازه گرفتن برای رونویسی از پاسخ‌های آزمون.

• **دزدی ادبی:** ارائه کردن یک مقاله سرقت شده؛ استفاده کردن از یک منبع بر خط غیرمستند؛ استفاده کردن از یک منبع مکتوب غیرمستند؛ اضافه کردن کتاب‌نامه؛ رونویسی کردن تکلیف منزل؛ اجازه دادن به کس دیگری برای رونویسی کردن تکلیف منزل؛ انجام گرفتن تکلیف توسط کس دیگری؛ انجام دادن تکلیف دیگری؛ انجام دادن یک تکلیف فردی با یکدیگر؛ جعل داده‌ها"
سیدحسینی‌دورانی (۱۳۸۳: ۴ و ۵) تقلب را در سه گروه اصلی به شرح زیر تقسیم کرده است:

• **"تقلب از طریق رساندن یا دریافت کردن اطلاعات از دیگران:** اجازه دادن فردی به دیگران که از کار وی کپی بگیرند (جهت ارایه به اسم خود)؛ کپی گرفتن از کار دانشجوی دیگر با اطلاع وی؛ انجام دادن کار کلاسی برای دیگران؛ نوشتن از روی دست دیگری در جلسه امتحان بدون آنکه وی متوجه شود؛ کپی گرفتن از کار کلاسی دانشجوی دیگر، بدون اطلاع وی؛ خرید کار کلاسی یا موارد مشابه (گزارش و ...) از محیط خارج دانشگاه یا هم‌کلاسی؛ ارتباط برنامه‌ریزی شده بین دو یا چند دانشجو به نحوی که در جلسه امتحان با علایم خاص پاسخ‌ها را به یکدیگر منتقل نمایند.

• **تقلب از طریق استفاده از مواد یا اطلاعات ممنوعه:** استفاده از عبارات منابع دیگر بدون ارجاع دادن به آن؛ ابداع داده‌ها (داده‌سازی)؛ جعل در ارائه‌ی مراجع؛ تغییر دادن داده‌ها؛ آوردن مطالب غیرمجاز به جلسه‌ی امتحان.

• **تقلب از طریق فرار کردن از فرایند ارزشیابی:** به جای دیگری امتحان دادن؛ دادن رشوه، اغوا و فریبکاری جهت گرفتن نمره؛ پنهان کردن مطالب، جزوات یا کتاب‌های کتابخانه تا سایر دانشجویان به آن دسترسی نداشته باشند؛ سرقت سئوالات؛ تهدید، گرفتن حق‌السکوت و اخاذی."

همچنین زاهدی (۱۳۸۶: ۷۵) در پژوهش خود به بعضی دیگر از رفتارهای سوء علمی که در فرایند پژوهش و نگارش مقالات می‌تواند رخ دهد، اشاره می‌کند. این موارد عبارتند از: "گزارش کردن آثاری که هرگز به مورد اجرا در نیامده‌اند؛ دستکاری داده‌های پژوهش به منظور استحصال نتایج مورد نظر مانند تنظیم نقاطی روی منحنی؛ حذف نقاطی که روی منحنی قرار ندارند؛ حذف داده‌هایی که نتیجه‌گیری‌ها را غیرقابل توجیه یا غیرقابل دفاع می‌نمایند؛ استفاده نامناسب از علم آمار به طوری که ایجاد معنی‌داری کند."

تمام مواردی که ذکر شد از نمونه‌های بارز عدم صداقت علمی است، اما با این وجود نمی‌توان ادعا کرد که این موارد، تمام رفتارهایی را که می‌تواند عدم صداقت علمی به حساب بیاید تحت پوشش قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد مصادیقی که شملکین^۱، گیلبرت^۲، اسپنسر^۳، پینکاس^۴ و سیلوا^۵ (۲۰۰۸: ۵۹) به آن اشاره کرده‌اند جامع‌تر باشد، این موارد عبارتند از: "همکاری با دیگران در یک تکلیف فردی؛ رونویسی کردن تکلیف خانه؛ رونویسی کردن اطلاعات بدون استفاده از علامت نقل قول؛ رونویسی کردن مواد بدون ارجاع مناسب؛ کپی کردن اطلاعات از اینترنت و ارائه‌ی آنها به عنوان کار خود فرد؛ تأخیر در آزمون دادن یا در برگرداندن ورقه‌ی آزمون؛ دریافت یک مقاله‌ی کامل از اینترنت و ارائه‌ی آن به عنوان کار خود فرد؛ کوتاهی کردن در گزارش نمره‌گذاری اشتباه؛ تحریف یا جعل کتاب‌شناسی؛ جعل اسناد دانشگاه؛ پاسخ دادن به دیگری در یک جلسه‌ی آزمون؛ دادن سئوالات آزمون به فردی که بعداً آزمون دارد؛ داشتن فرد دیگری برای نوشتن مقالات ترم شما؛ اجیر کردن فرد دیگری تا به جای شما آزمون بدهد؛ وارد کردن اطلاعات یا فرمول‌های مورد نیاز آزمون در ماشین حساب؛ همکاری نکردن به اندازه‌ی سهم خود در یک کار گروهی؛ به دست آوردن یک کپی از کسی که قبلاً آزمون داده است؛ بدست آوردن پاسخ‌ها از افراد دیگر در جلسه‌ی آزمون؛ آثار ادبی دیگران را سرقت کردن؛ خریدن

1. Schmelkin
2. Gilbert
3. Spencer
4. Pincus
5. Silva

مقاله‌ی ترم و ارائه‌ی آن به عنوان کار خود؛ خراب کردن کار یک فرد دیگر؛ سرقت و یا کپی کردن یک آزمون؛ مطالعه کردن یادداشت‌های افراد دیگر؛ ارائه‌ی یک مقاله‌ی یکسان به کلاس‌های دیگر بدون اجازه؛ آزمون دادن به جای یک فرد دیگر؛ استفاده از ورقه‌ی سرقت شده؛ ارائه مجدد مقالات ترم‌های گذشته؛ نوشتن مقالات ترم برای یک شخص دیگر."

عوامل مؤثر بر عدم صداقت علمی

اگر چه ارائه‌ی یک چهارچوب برای سازمان بخشیدن به پژوهش‌های انجام شده در مورد تقلب علمی به دلیل گستردگی این پژوهش‌ها مشکل است، اما برای درک علل تقلب علمی، به دو نوع از متغیرها شامل متغیرهای فردی^۱ و متغیرهای بافتی یا زمینه‌ای^۲ زمینه‌ای^۳ در پژوهش‌های مرتبط اشاره شده است (به طور مثال، مک‌کیب^۳، ۱۹۹۳؛ مک-مک‌کیب^۴، ۲۰۰۵؛ رتینگر و جردن^۶، ۱۹۹۹؛ هاگز^۷ و مک‌کیب، ۲۰۰۶).

منظور از عوامل فردی «ویژگی‌هایی است که به وسیله‌ی نسل یا به وسیله‌ی موقعیتی که فرد در آن متولد می‌شود (مانند مذهب و ملیت) تعیین می‌گردد» و منظور از عوامل موقعیتی یا بافتی «فشارهای خارجی است که بر فرد تحمیل می‌شود تا باعث ترغیب یا منع رفتارهای خاص شود» (بریمبل^۸ و استونسون کلارک^۹، ۲۰۰۵: ۴۱).

عوامل فردی

بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ بیشتر پژوهش‌ها در زمینه‌ی تقلب علمی، روی عوامل فردی مرتبط با رفتار تقلب متمرکز بود. بنابراین شواهد مستدل بیشتری برای ارتباط بین متغیرهای فردی و تقلب نسبت به ارتباط بین متغیرهای بافتی و تقلب، وجود دارد (مک‌کیب، تروینو و باترفیلد، ۲۰۰۱ ترجمه‌ی خامسان و امیری ۱۳۸۶). اما هر کدام از آنها به یک میزان می‌توانند اهمیت داشته باشند (لوکاس^{۱۰} و فردریش^{۱۱}، ۲۰۰۵).

1. Individual Variables
2. Contextual Variables
3. McCabe
4. Trevino
5. Butterfield
6. Jordan
7. Hughes
8. Brimble
9. Stevenson-Clarke
10. Lucas
11. Friedrich

متغیرهای فردی که بیشترین ارتباط را با عدم صداقت علمی دارند عبارتند از: پیشرفت تحصیلی^۱، سن، فعالیت‌های اجتماعی، رشته تحصیلی، جنسیت، فقدان منش، فقدان مسئولیت‌پذیری، تنبلی، میل به برتری، اخلاق کاری^۲، کوشش پیشرفت^۳، عزت نفس، خود انگارهی ضعیف، فقدان غرور در کاری که به نحو احسن انجام گرفته، مذهب، عدم‌انگیزه برای یادگیری و فقدان کمال شخصی است. انواع متغیرهای فردی مؤثر بر رفتار عدم صداقت علمی با منبع پژوهش آنها در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول (۴) انواع متغیرهای فردی مؤثر بر تقلب علمی با منبع پژوهش

نوع متغیر فردی	منبع پژوهش
پیشرفت تحصیلی (معدل)	مک‌کیب و تروینو (۱۹۹۷)؛ مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)؛ گردمن (۲۰۰۰)
سن	مک‌کیب و تروینو (۱۹۹۷)؛ مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)؛ گردمن (۲۰۰۰)
فعالیت‌های اجتماعی و فوق برنامه	مک‌کیب و تروینو (۱۹۹۷)؛ مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)؛ گردمن (۲۰۰۰)
رشته تحصیلی	مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)؛ گردمن (۲۰۰۰)
جنسیت	مک‌کیب و تروینو (۱۹۹۷)؛ مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)؛ گردمن (۲۰۰۰)؛ اندرمن و میگلی ^۴ (۲۰۰۴)
فقدان منش	مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)
فقدان مسئولیت‌پذیری	مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)
تنبلی	مرادی و سعیدی‌جم (۱۳۸۰)؛ مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)
میل به برتری	مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)
اخلاق کاری	مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)
کوشش پیشرفت رقابتی	مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)
عزت نفس	سپهری‌نیا (۱۳۷۶)
خود انگاره ضعیف	مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)
فقدان غرور در کار انجام گرفته به نحو احسن	مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)
مذهب	رتینگر و جردن (۲۰۰۵)
عدم‌انگیزه برای یادگیری	مرادی و سعیدی‌جم (۱۳۸۰)
فقدان کمال شخصی	مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)

1. Academic Achievement
2. Work Ethic
3. Competitive Achievement Striving
4. Midgley

دانشجویانی که معدل پایینی دارند با احتمال بالاتری مرتکب تقلب علمی می‌شوند (گردمن، ۲۰۰۰). همچنین دانشجویانی که سن آنها کمتر است نسبت به دانشجویان مسن‌تر گرایش بیشتری نسبت به تقلب علمی دارند، (مک کیب، تروینو و باترفیلد، ۲۰۰۱). شرکت کردن در فعالیت‌های اجتماعی احتمال ارتکاب تقلب علمی را افزایش می‌دهد (سیدحسینی داورانی، ۱۳۸۳). کسانی که در رشته‌های مرتبط با تجارت تحصیل می‌کنند، احتمال تقلب آنها نسبت به دانشجویان سایر رشته‌ها بیشتر است (وترینگ، ۲۰۰۷). نتایج پژوهش‌ها در باره‌ی تأثیر جنسیت نشان می‌دهد که مردان بیشتر از زنان تقلب می‌کنند (نی‌یا^۱، بالانتاین^۲، نرس^۳ و کراکر^۴، ۲۰۰۸)، اما با این وجود، تعدادی از پژوهش‌ها هیچ تفاوتی بین زنان و مردان ذکر نکرده‌اند (مرادی و سعیدی‌جم، ۱۳۸۰؛ مک کیب، تروینو و باترفیلد، ۲۰۰۱). مذهب نیز روی نگرش نسبت به تقلب اثر می‌گذارد و باعث پایین آمدن نرخ تقلب می‌شود (رتینگ و جردن، ۲۰۰۵). تنبلی و عدم‌انگیزه برای یادگیری باعث بالا رفتن نرخ تقلب می‌شود (مرادی و سعیدی‌جم، ۱۳۸۰).

عوامل زمینه‌ای

از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ای یا بافتی که بر تقلب علمی تأثیر می‌گذارد، می‌توان به ادراک رفتار هم‌سالان، درک و فهم سیاست‌های اخلاق علمی، حتمی نبودن گزارش شدن تقلب، شدت مجازات‌ها برای تقلب، وجود یا فقدان قوانین شرافت علمی، فشار برای گرفتن نمره بالا، فشارهای والدین، فشار برای بدست آوردن شغل، نوع آزمون (تستی یا تشریحی)، تنبیه و سیاست‌های مدرسه اشاره کرد. انواع متغیرهای بافتی مؤثر بر رفتار عدم صداقت علمی با منبع پژوهش آنها در جدول شماره‌ی ۵ نشان داده شده است.

نگرش منفی هم‌سالان نسبت به عدم صداقت علمی، یکی از مهمترین عوامل کاهش تقلب علمی است (گردمن، ۲۰۰۰). سیاست‌های معلمان در توجیه رفتار عدم صداقت علمی بیشترین فراوانی را دارد (مرداک، بیوکامپ، و هیئتون، ۲۰۰۸). اگر استاد بی تفاوت باشد و یا موضوعات درسی بی‌اهمیت و خسته‌کننده باشد، دانشجویان

1. Niiya
2. Ballantyne
3. North
4. Crocker

برای اجتناب از تقلب علمی کمتر احساس تعهد اخلاقی می‌کنند (گردمن، ۲۰۰۰). معلمان با احترام گذاشتن به دانشجویان و دارا بودن توانایی‌های آموزشی می‌توانند باعث افزایش پذیرش عدم صداقت علمی توسط دانشجویان یا کاهش رویدادهای تقلب علمی شوند (مرداک، بیوکامپ و هینتون، ۲۰۰۸). دانشجویانی که هدف آنها صرفاً گرفتن نمره‌ی خوب باشد نسبت به دانشجویانی که هدف اصلی آنها تسلط بر تکلیف است بیشتر دچار تقلب علمی می‌شوند (مرداک و اندرمن، ۲۰۰۶). همچنین متغیرهایی از قبیل؛ فشار برای گرفتن نمره‌ی بالا، فشارهای والدین، فشار برای بدست آوردن شغل، شدت مجازات‌ها برای تقلب و حتمی نبودن گزارش تقلب می‌تواند باعث افزایش عدم صداقت علمی شود (مک‌کیب، تروینو و باترفیلد، ۲۰۰۱).

جدول (۵) انواع متغیرهای زمینه‌ای مؤثر بر تقلب علمی با منبع پژوهش

منبع پژوهش	نوع متغیر زمینه‌ای
مک‌کیب و تروینو (۱۹۹۷)؛ گردمن (۲۰۰۰)؛ مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)؛ مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۲)؛ مک‌کیب، فگالی ^۱ و عبدالله (۲۰۰۸)؛ تئودرسکو ^۲ و آندری ^۳ (۲۰۰۹)؛ دیچتل ^۴ (۲۰۰۳)	ادراک رفتار هم‌سالان
مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)؛ مک‌کیب، باترفیلد و تروینو (۲۰۰۶)	درک و فهم سیاست‌های اخلاق علمی
مک‌کیب و تروینو (۱۹۹۷)؛ مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)؛ مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۲)؛ مک‌کیب، فگالی و عبدالله (۲۰۰۸)	حتمی نبودن گزارش تقلب
مک‌کیب و تروینو (۱۹۹۷)؛ مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)؛ مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۲)؛ مک‌کیب، فگالی و عبدالله (۲۰۰۸)	شدت مجازات‌ها برای تقلب
مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)؛ مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۲)	وجود یا فقدان قوانین شرافت علمی
مک‌کیب (۱۹۹۲)؛ مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)	فشار برای گرفتن نمره‌ی بالا
مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)	فشارهای والدین
مک‌کیب و تروینو (۱۹۹۷)؛ مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۱)	فشار برای بدست آوردن شغل
گردمن (۲۰۰۰)	اساتید
گردمن (۲۰۰۰)	نوع آزمون (تستی یا تشریحی)
دریس (۱۳۷۷)	تنبیه
گردمن (۲۰۰۰)	سیاست‌های آموزشی
مک‌کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۲)؛ مک‌کیب، فگالی و عبدالله (۲۰۰۸)	درک و پذیرش سیاست‌های اخلاق علمی

1. Feghali
2. Teodorescu
3. Andrei
4. Dichtl

نتیجه گیری

عدم صداقت علمی پدیده‌ای است که باعث از بین رفتن امکان رقابت سالم و منصفانه می‌شود و تهدیدی جدی برای کمال و شرافت علمی محیط‌های دانشگاهی است. این پدیده در بسیاری از نظام‌های آموزشی دنیا دیده می‌شود (لین و ون، ۲۰۰۷). در چنین محیط‌هایی، با رواج سوء رفتارهایی مانند تقلب علمی (به طور مثال، یاردلی^۱، رودریگز^۲ و باتس^۳، ۲۰۰۹)، تحریف نتایج پژوهش و اقتباس از کارهای دیگران بدون ارجاع (به طور مثال، طباطبایی و دادهیر، ۱۳۸۰)، و همچنین احتمال وجود سایر رفتارهای علمی غیر اخلاقی، اعتلای افراد بر اساس لیاقت و شایستگی آنان نخواهد بود.

محیط‌های دانشگاهی لازم است جوی را فراهم کنند که در آن ارتقاء اعضای جامعه‌ی دانشگاهی و اعطای مدارک علمی به آنها براساس رقابت سالم و منصفانه و بر مبنای تخصص افراد باشد. ایجاد چنین محیطی مستلزم رعایت اخلاق علمی، داشتن صداقت و اعتماد افراد به یکدیگر است. تا زمانی که در محیط‌های دانشگاهی عدم صداقت علمی وجود داشته باشد، این احتمال وجود دارد که، جامعه به دستاوردهای علمی افراد و جامعه‌ی دانشگاهی اعتماد نکند.

بلتر و دوپر (۲۰۰۹) معتقدند که، یکی از دلایل عدم صداقت علمی عدم آگاهی از مصادیق آن است. احتمال می‌رود بسیاری از دانشجویانی که مرتکب عدم صداقت علمی می‌شوند به دلیل ناآگاهی آنها باشد (حسرتی، ۱۳۸۴). این افراد ممکن است سوءرفتارهایی را که مرتکب می‌شوند، به دلیل عدم آگاهی، مشمول مصادیق عدم صداقت علمی ندانند. همچنین عدم آگاهی از مجازات‌های هر کدام از مصادیق عدم صداقت علمی، می‌تواند یکی از عوامل ارتکاب به عدم صداقت علمی باشد. بنابراین لازم است دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مصادیق عدم صداقت علمی و مجازات‌های هر کدام از آنها را به اطلاع اعضای جامعه‌ی دانشگاهی برسانند.

فرهنگ سازمانی یکی از عوامل تأثیرگذار بر عدم صداقت تحصیلی است. در سازمان‌ها و نهادهایی که عدم صداقت تحصیلی و تقلب به عنوان نقض شرافت علمی محسوب می‌شود، میزان سوءرفتار در بین اعضاء آن سازمان‌ها کمتر است. اسمیس^۴ و

1. Yardley
2. Rodriguez
3. Bates
4. Smyth

داویس^۱ (۲۰۰۳) معتقدند که بسیاری از دانشجویان تقلب علمی را به عنوان یک رفتار علمی مشروعی می‌دانند که از لحاظ اجتماعی پذیرفته شده است (نقل از، برناردی^۲، باکا^۳، لندرز^۴ و وایتک^۵، ۲۰۰۸). بنابراین ممکن است دانشجویانی که نگرش مثبتی نسبت به تقلب علمی دارند و آن را به عنوان رفتاری به‌هنجار می‌دانند، عدم صداقت علمی را نه تنها نقض شرافت و اخلاق علمی به حساب نیاورند بلکه احتمال می‌رود ارتکاب به عدم صداقت علمی را نوعی شجاعت بدانند و به آن به دیده‌ی تحسین بنگرند.

برای پیشگیری از عدم صداقت علمی باید زمینه‌های رخداد چنین رفتاری مورد توجه قرار گیرد (نخعی، نجفی‌پور، روحانی و همکاران، ۱۳۸۹)، و تا حد ممکن شرایطی را که باعث تشویق دانشجویان به عدم صداقت علمی می‌شود از بین برد، چون ممکن است بسیاری از دانشجویان بدون در نظر گرفتن عواقب آن مرتکب سوءرفتار علمی شوند (اندرمن، کاپ^۶ و لین^۷، ۲۰۱۰). بنابراین تکالیف باید جذاب و و در حد توان دانشجویان و نیز متناسب با محدوده‌ی زمانی باشد که در اختیار آنها قرار دارد.

با توجه به این که در عصر دیجیتال هستیم و روگرفت^۸ از اینترنت روز به روز افزایش می‌یابد (ارکگواک^۹ و ریچاردسون^{۱۰}، ۲۰۰۴)، و وسایل الکترونیکی احتمال ارتکاب به عدم صداقت علمی را افزایش داده است (سوپون^{۱۱}، ۲۰۰۸)، و دانشجویان حتی با یک کلیک می‌توانند مقالات مورد نظر را در موتورهای جستجوگر پیدا کنند (پارک^{۱۲}، ۲۰۰۳)، ضروری است تا دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، دانشجویان را با شیوه‌های درست ارجاع منابع اینترنتی آشنا کنند. ما^{۱۳}، ون^{۱۴} و لو^{۱۵}، (۲۰۰۸)

1. Davis
2. Bernardi
3. Baca
4. Landers
5. Witek
6. Cupp
7. Lane
8. Copy- paste
9. Ercegovac
10. Richardson
11. Supon
12. Park
13. Ma
14. Wan
15. Lu

معتقدند که یکی از راه‌های کاهش سرقت ادبی آشنا کردن دانشجویان با شیوه‌های مناسب ارجاع منابع اینترنتی است. امروزه اهمیت و ضرورت استفاده از منابع اینترنتی و پایگاه‌های اطلاعاتی بر کسی پوشیده نیست. بسیاری از دانشجویانی که از منابع اینترنتی استفاده می‌کنند، ممکن است به دلیل ناآشنایی با شیوه‌های صحیح ارجاع و به طور غیرعمد مرتکب سرقت ادبی بشوند. بنابراین لازم است که دانشگاه‌ها، همان‌گونه که دانشجویان را با شیوه‌های مناسب ارجاع منابع چاپی و کتابخانه‌ای آشنا می‌کنند، آنها را با روش‌های صحیح ارجاع منابع اینترنتی هم آشنا کنند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد افرادی که در سطوح پایین تحصیلی مرتکب تقلب می‌شوند به احتمال زیاد در مراحل بعدی تحصیلی نیز مرتکب این رفتار خواهند شد (لیم^۱ و سی^۲، ۲۰۰۱؛ هاردینگ، مایهو^۳، فاینلی و کارپنتر، ۲۰۰۷، وورا^۴، ۲۰۰۷). بنابراین از مراحل آغازین آموزش و پرورش باید به صداقت علمی توجه کرد. چون کسی که در مدرسه یا دبیرستان تقلب می‌کند به همان نسبت احتمال تقلب آنها در کارشناسی و کارشناسی ارشد بیشتر است (مکاون^۵، ویسلی^۶ و حگات^۷، ۲۰۰۹). بنابراین به منظور آگاهی بخشی دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت لازم است پژوهشی برای تعیین میزان رابطه بین تقلب در مقاطع پایین تحصیلی و دانشگاه در کشور انجام گیرد، تا برای جلوگیری از تقلب در مقاطع پایین تحصیلی اقدام شود.

با توجه به این‌که متغیرهایی مثل فرهنگ و مذهب می‌تواند بر کاهش عدم صداقت تحصیلی تأثیر گذار باشد و با نظر به این‌که در کشور پژوهش‌های جامعی برای مشخص کردن عوامل مؤثر بر عدم صداقت تحصیلی انجام نگرفته است، پیشنهاد می‌شود پژوهشی به منظور بررسی نقش مذهب و فرهنگ در عدم صداقت تحصیلی انجام گیرد. عدم گزارش رفتار عدم صداقت علمی توسط اساتید و سایر اعضای جامعه‌ی دانشگاهی ممکن است باعث تشویق دانشجویان برای ارتکاب مجدد به سوءرفتار تحصیلی شود. بنابراین لازم است پژوهشی به برای تعیین علل عدم گزارش رفتار عدم صداقت علمی توسط جامعه‌ی دانشگاهی انجام گیرد.

1. Lim
2. See
3. Mayhew
4. Wowra
5. McEwen
6. Wiseley
7. Hoggatt

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که قوانین شرافت علمی، به دلیل آشنا کردن اعضای جامعه‌ی دانشگاهی با شکل‌های مختلف عدم صداقت علمی و مجازات‌های هر کدام از آن‌ها، می‌تواند تا حد زیادی از عدم صداقت علمی جلوگیری کند (به طور مثال، مک‌کیب، تروینو و باترفیلد، ۲۰۰۱؛ مک‌کیب، تروینو و باترفیلد، ۲۰۰۲؛ انگلر^۱، لاندو^۲ و اپستین^۳، ۲۰۰۸). بنابراین نظام آموزش عالی ایران و دانشگاه‌های کشور، برای آگاه‌سازی جامعه‌ی دانشگاهی از مصادیق عدم صداقت علمی و جلوگیری از آن و همچنین نهادینه کردن کمال دانشگاهی، لازم است قوانین مناسب را تدوین کنند.

یادآوری

مقاله حاضر بخشی از پژوهش «مقایسه قوانین شرافت علمی دانشگاه‌های آمریکا و بریتانیا» است که در دانشگاه بیرجند به منظور تدوین سند قوانین شرافت علمی نظام آموزش عالی انجام شده است.



1. Engler
2. Landau
3. Epstein

منابع

- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی* (جلد اول). تهران: نشر دوران.
- حسرتی، مصطفی (۱۳۸۴). نگارش دانشگاهی در دانشگاه‌های ایران: حلقه‌ی گمشده آموزش عالی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره‌های ۳۵ و ۳۶ (۱۳۸-۱۰۳)
- خالقی، نرگس (۱۳۸۷). اخلاق پژوهش در حوزه‌ی علوم اجتماعی. *فصلنامه‌ی اخلاق در علوم و فناوری*، سال سوم، شماره‌های ۱ و ۲ (۸۳-۹۲).
- دریس، عصمت (۱۳۷۷). بررسی تأثیر تهدید به تنبیه خفیف و شدید بر نگرش نسبت به تقلب و اقدام به آن در دانش‌آموزان دختر سال سوم راهنمایی شهر اهواز. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز، چاپ نشده.
- ذاکرحاجی، غلامرضا (۱۳۸۹). *تقلب علمی: جنبه‌های اجتماعی و حقوقی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- زاهدی، لادن ناز (۱۳۸۶). اقدامات سوء علمی در فرآیند پژوهش‌های پزشکی و نگارش مقالات: مسئولیت حرفه‌ای. *فصلنامه‌ی اخلاق در علوم و فناوری*، سال دوم، شماره‌های ۳ و ۴ (۷۲-۸۰).
- سپهری‌نیا، امیر (۱۳۷۶). تأثیر عزت نفس بر نگرش نسبت به تقلب و اقدام به آن در دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم راهنمایی شهرستان شوش. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز، چاپ نشده.
- سیدحسینی داورانی، سید وحید (۱۳۸۳). *نگرش دانشجویان پزشکی سال اول تا ششم نسبت به انواع خلاف دانشگاهی تقلب و سنجش فراوانی آن به روش غیر مستقیم*. پایان‌نامه‌ی دکتری پزشکی. دانشگاه شهید چمران اهواز، چاپ نشده.
- شریفی، حسن پاشا (۱۳۸۸). *اصول رونسنجی و روان‌آزمایی*. تهران: انتشارات رشد.
- طباطبایی، محمودقاضی و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۰). سوگیری هنجاری و اخلاقی در پژوهش‌های دانشگاهی: مطالعه‌ی تطبیقی امور مربوط به دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های ایران. *نشریه‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، شماره‌ی ۴۴ (۱۸۷-۲۲۶).
- لاریجانی، باقر و زاهدی، فرزانه (۱۳۸۵). نظری بر کمیته‌های اخلاق در پژوهش در جهان و ایران. *مجله‌ی دیابت و لیپید ایران*، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۴ (۲۹۷-۲۸۱).

مرادی، ولی‌اله و سعیدی‌جم، مسعود (۱۳۸۰). بررسی علل گرایش دانشجویان به تقلب در امتحانات دانشجویان علوم پزشکی همدان در سال ۱۳۷۵. *طب و تزکیه*، شماره ۴۰ (۱۹-۱۶).

مک‌کیب، دانلود. ل؛ تروینو، لیندا. کلب و باترفیلد، کنث. د. (۲۰۰۱). تقلب در مؤسسات آموزشی: یک دهه پژوهش. ترجمه: احمد خامسان و محمد اصغر امیری (۱۳۸۶). *مجله‌ی مطالعات علوم تربیتی*، سال اول، شماره ۲ (۱۲۶-۱۰۵).

نخعی، نوذر و سیدحسینی، سیدوحید (۱۳۸۴). بررسی نظرات دانشجویان پزشکی در مورد تقلب امتحانی و فراوانی نسبی آن. *مجله گام‌های توسعه در آموزش پزشکی*، سال اول، شماره ۲ (۶۳-۵۷).

نخعی، نوذر؛ نجفی‌پور، حمید؛ روحانی، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۸۹). آیین‌نامه‌ی انضباطی پیشنهادی سوءرفتارهای پژوهشی: یک پژوهش کیفی. *مجله‌ی مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش پزشکی*، دوره‌ی هفتم، شماره ۱ (۸-۱).

نیک‌پور، هادی (۱۳۸۲). تعیین نگرش دانشجویان سال آخر پزشکی نسبت به انواع تقلب در مراحل تدوین پایان‌نامه و سنجش فراوانی آن به روش غیرمستقیم. پایان‌نامه‌ی دکتری پزشکی. دانشگاه شهید چمران اهواز، چاپ نشده.

Al-Qaisy, L. M. (2008). Students' attitudes toward cheat and relation to demographic factors. *European Journal of Social Science*, 7(1), 140-146.

Anderman, E. M., & Midgley, C. (2004). Changes in self-reported academic cheating across the transition from middle school to high school. *Contemporary Educational Psychology*, 29, 499-517.

Anderman, E. M., Cupp, P. K., & Lane, D. (2010). Impulsivity and academic cheating. *The Journal of Experimental Education*, 78, 135-150.

Belter, R. W., & DuPré, A. (2009). A strategy to reduce plagiarism in an undergraduate course. *Teaching of Psychology*, 36(4), 257-261.

Bernardi, R. A., Baca, A. V., Landers, K. S., & Witek, M. b. (2008). Methods of cheating and deterrents to classroom cheating: An international study. *Ethics & Behavior*, 18(4), 373-391.

Bisping, T. O., Patron, H., & Roskelley, K. (2008). Modeling academic dishonesty: The role of student perceptions and misconduct type. *Journal of economic education*, 39(1), 4-21.

Brimble, M., & Stevenson-Clarke, P. (2005). Perceptions of the prevalence and seriousness of academic dishonesty in Australian Universities. *The Australian Educational Researcher*, 32(3), 19-44.

- Dichtl, J. (2003). Teaching integrity. *The history teacher*, 36(3), 367-373.
- Dunbar, G. (2005). The management of academic dishonesty: A survey of practice in UK Psychology. University of Warwick. Available online: Retrieved 2010/7/12 from: www.psychology.heacademy.ac.uk/docs/pdf/p20050426_AcademicDishonestyReport.pdf
- Engler, J. N., Landau, J. D., & Epstein, M. (2008). Keeping up with the joneses: Students' perceptions of academically dishonest behavior. *Teaching of Psychology*, 35, 99-102.
- Ercegovac, Z., & Richardson, J. V. (2004). Academic dishonesty, plagiarism included, in the digital age: A literature review. *College & Research Libraries*, 65(4), 301-318.
- Eteer, S., Cramer, J. J., & Finn, S. (2006/2007). Origins of academic dishonesty: Ethical orientation and personality factors associated with attitudes about cheating with Information Technology. *Journal of Research on technology in education*, 39(2), 133-155.
- Gerdeman, R. D. (2000). Academic dishonesty and the community College. ERIC Clearinghouse for Community College Los Angeles CA. (ERIC Document Reproduction Service No. 447840).
- Graves, S. M., & Austin, S. F. (2008). Student cheating habits: A Predictor of workplace deviance. *Journal of Diversity Management*, 3(1), 15-22.
- Harding, T. S., Mayhew, M. J., Finelli, C. J., & Carpenter, D. D. (2007). The theory of planned behavior as a model of academic dishonesty in engineering and humanities undergraduates., 17(3), 255-279.
- Hollinger, R. C., & Kaduce, L. L. (2009). Academic dishonesty and the perceived effectiveness of countermeasures: An empirical survey of cheating at a major public University. *NASPA Journal*, 46(4), 587-602.
- Hughes, J. M. C., & McCabe, D. L. (2006). Understanding academic misconduct. *Canadian Journal of Higher Education*, 6(1), 49-63.
- Leonard, V., & LeBrasseur, R. (2008). Individual assignments and academic dishonesty – Exploring the learning conundrum. *The Australian Educational Researcher*, 35(1), 37-56.
- Lim, V. K. G., & See, S. K. B. (2001). Attitudes toward, and intentions to report, academic cheating among students in Singapore. *Ethics & Behavior*, 11(3), 261-274.
- Lin, C. S., & Wen, L. M. (2007). Academic dishonesty in higher education—a nationwide study in Taiwan. *Higher Education*, 54, 84-97.
- Lucas, G. F., & Friedrich, J. (2005). Individual differences in workplace deviance and integrity as predictors of academic dishonesty. *Ethics & Behavior*, 15(1), 15-35.

- Ma, H. J., Wan, G., & Lu, E. U. (2008). Digital cheating and plagiarism in schools. *Theory into practice*, 47, 197-203.
- McCabe, D. L. (1992). The influence of situational ethics on cheating among college students. *Sociological Inquiry*, 62(3), 365-374.
- McCabe, D. L. (1993). Faculty responses to academic dishonesty: The influence of student honor codes. *Research in Higher Education*, 34(5), 647-658.
- McCabe, D. L., & Trevino, L. K. (1997). Individual and contextual influences on academic dishonesty: A Multicampus investigation. *Research in Higher Education*, 38(3), 379-396.
- McCabe, D. L., Butterfield, K. D., & Trevino, L. K., & (2006). Academic dishonesty in graduate business programs: Prevalence, Causes, and Proposed action. *Academy of Management Learning & Education*, 5(3), 294-305.
- McCabe, D. L., Feghali, T., & Abdallah, H. (2008). Academic dishonesty in the Middle East: Individual and contextual factors. *Research in Higher Education*, 49, 451-467.
- McCabe, D. L., Trevino, L. K., & Butterfield, K. D. (1999). Academic integrity in honor code and non-honor code environments: A Qualitative investigation, *The Journal of Higher Education*, 70(2), 211-234.
- McCabe, D. L., Trevino, L. K., & Butterfield, K. D. (2001). Cheating in academic institutions: A Decade of research. *Ethics & Behavior*, 11(3), 219-232.
- McCabe, D. L., Trevino, L. K., & Butterfield, K. D. (2002). Honor codes and other contextual influences on academic dishonesty: A Replication and extension to modified honor code settings. *Research in Higher Education*, 43(3), 357-378.
- McEwen, D. S., Wiselay, p., & Hoggatt, S. (2009). Point, click, and cheat: Frequency and type of academic dishonesty in the Virtual Classroom. *Online Journal of Distance Learning Administration*, 12(3). Available online: Retrieved 2010/7/12 from: www.westga.edu/~distance/ojdla.
- Murdock, T. B., & Anderman, E. M. (2006). Motivational Perspectives on student cheating: Toward an integrated model of academic dishonesty. *Educational Psychologist*, 41(3), 129-145.
- Murdock, T. B., Beauchamp, A. S., & Hinton, A. (2008). Predictors of cheating and cheating attributions: Does classroom context influence cheating and blame for cheating?. *European Journal of Psychology of Education*, 23 (4), 477-492.
- Niiya, Y., Ballantyne, R., North, M. S., & Crocker, J. (2008). Gender, contingencies of self-worth, and achievement goals as predictors of academic cheating in a controlled laboratory setting. *Basic and Applied Social Psychology*, 30, 76-83.

- Papp, R., & Wertz, M. (2009). To pass at any cost: Addressing academic integrity violations. *Journal of Academic and Business Ethics*, 2, 2-11.
- Park, C. (2003). In other (People's) words: plagiarism by university students—literature and lessons. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 28(5), 471-488.
- Rettinger, D. A. & Jordan, A. E. (2005). The relations among religion, Motivation, and college cheating: A natural experiment. *Ethics & Behavior*, 15(2), 107-129.
- Rettinger, D. A., & Kramer, Y. (2009). Situational and personal causes of student cheating. *Research in Higher Education*, 50, 293-313.
- Satterlee, A. G. (2002). Academic dishonesty among student: Consequence and interventions. (ERIC Document Reproduction Service No. 469468.).
- Schmelkin, L. P., Gilbert, K., Spencer, K. J., Pincus, H. S., & Silva, R. (2008). A multidimensional scaling of college students' Perceptions of academic dishonesty. *The Journal of Higher Education*, 79(5), 587-607.
- Simon, C. A., Carr, J. R, McCullough, S. M. et al. (2004). Gender, student perceptions, institutional commitments and academic dishonesty: who reports in academic dishonesty cases? *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 29(1), 75-90.
- Smith, H. & Ridgway, J. (2009). Another piece in the cheating jigsaw. *Community and education studies*, 1-19. Online Available: Retrieved 2010/7/12 from: www.plagiarismadvice.org/images/stories/old_site/media/2006papers/HelenSmith.pdf
- Supon, V. (2008). Teachers: Recognize Important Steps to Reduce Cheating, *Journal of Instructional Psychology*, 35(4), 376-379.
- Teodorescu, D., & Andrei T. (2009). Faculty and peer influences on academic integrity: college cheating in Romania. *Higher Education*, 57: 267–282.
- Underwood, J. & Szabo, M. (2003). Academic offences and e-learning: individual propensities in cheating. *British Journal of Educational Technology*, 34(4), 467–477.
- Wideman, M. A. (2008). Academic dishonesty in postsecondary education: literature review. *Teaching & Learning*, 2(1), 1-12.
- Wotring, K. E. (2007). Cheating in community college: generational differences among student and implication for faculty. *Inquiry*, 12(1), 5-13.
- Wowra, S. A. (2007). Introduction to the Special Issue: Academic dishonesty. *Ethics & Behavior*, 17(3), 211–214.
- Yardley, J., Rodriguez, M. D., & Bates, S. C. (2009). True Confessions?: Alumni's Retrospective Reports on Undergraduate Cheating Behaviors. *Ethics & Behavior*, 19(1), 1–14.